

نظام بانکی ایران: چالش‌ها و محدودیت‌ها*

دکتر ولی‌اله سیف



هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی به دلایل مختلف، از جمله خروج سپرده‌ها از سوی سرمایه‌گذاران، از بین رفتن اعتماد مردم به بانک‌ها و به تبع آن هجوم مردم جهت بازپس‌گیری سپرده‌هایشان و از طرف دیگر وصول ناپذیری مطالبات بانک‌ها، تقریباً اکثر بانک‌ها در آستانه‌ی

ورشکستگی قرار گرفتند. امری که در نهایت باعث شد تا شورای انقلاب در ۱۷ خرداد ۱۳۵۸، کلیه‌ی بانک‌های خصوصی را ملی اعلام نماید.

پس از آن که کلیه‌ی بانک‌ها ملی شد، به منظور سازماندهی جدید فعالیت‌های بانکی و تعیین ساختار و سازمان مناسب برای بانک‌ها، براساس «لایحه‌ی قانونی اداره‌ی امور بانک‌ها» در ۳ مهر ۱۳۵۸

بدون ربا به نحوه‌ی اعطای تسهیلات برپایه‌ی یک سری عقود اسلامی است.

ملی شدن سیستم بانکی در واقع فلسفه‌ی وجودی بانک‌ها را تغییر داد. اگر تا قبل از آن از بانک‌ها پرسیده می‌شد که هدف سازمانی شما چیست پاسخ قطعی این بود که هدف «افزایش سود سهامداران و سپرده‌گذاران» است. ولی از آن به بعد هدف

بانک‌ها توسط دولت تعیین می‌گردید که بالطبع این هدف چیزی غیر از «توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی کشور» نبود.

البته ملی شدن بانک‌ها بحث جدیدی در صنعت بانکداری نیست. این کار را اولین بار دولت شوروی سابق در ۱۹۱۷ انجام داد و به تبع آن بسیاری از کشورهای اروپای شرقی و اروپای غربی به ملی کردن بانک‌هایشان روی آوردند ولی از میانه‌ی راه

تعدادی از بانک‌های کشور با هم ادغام شدند و تعدادشان از ۳۶ بانک به ۹ بانک تقلیل یافت.

در جهت تغییر ساختار و نظام عملیاتی بانک‌ها با توجه به ضرورت حذف بهره نیز در ۱۳۶۲ قانون عملیات بانکی بدون ربا به تصویب رسید که از ابتدای ۱۳۶۳ به اجرا درآمد.

مهم‌ترین بحث در قانون عملیات بانکی

بخش	نرخ اسمی سود	نرخ تورم	نرخ سود واقعی	نرخ اسمی سود سپرده‌ها	نرخ تورم	نرخ سود واقعی
بخش بازرگانی و خدمات	۲۲	۱۷	+۶	کوتاه مدت	۷	۱۷
بخش صنعت و معدن	۱۶	۱۷	-۱	ویژه	۹	۱۷
بخش صادرات	۱۵	۱۷	-۲	یکساله	۱۳	۱۷
بخش مسکن	۱۷	۱۷	۰	دوساله	۱۴	۱۷
بخش کشاورزی	۱۳/۵	۱۷	-۳/۵	سه ساله	۱۵	۱۷
اوراق مشارکت دولت	۱۷	۱۷	۰	چهارساله	۱۶	۱۷
اوراق مشارکت بانک مرکزی	۱۷	۱۷	۰	پنج ساله	۱۷	۱۷

به دلایل متعددی از جمله مشکلات حقوقی، فنی و سیاست‌گذاری‌های اعتباری برگشتند.^۱

در هر حال پس از استقرار نظام بانکداری اسلامی، بانک‌ها عملاً به شکل یک نهاد دولتی در آمدند که سیاست‌های کلان و خردشان را دولت تعیین می‌کرد. این امر بانک‌ها را با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو کرد، که در ادامه به بررسی مهم‌ترین این مشکلات خواهیم پرداخت.

به‌طور کلی مهم‌ترین مشکلات مزبور را می‌توان به دو گروه مشکلات ساختاری و مشکلات عملیاتی تقسیم کرد:

۲-۱- مشکلات ساختاری

مهم‌ترین مشکلات ساختاری که در حال حاضر بانک‌ها با آن درگیرند عبارتند از:

۲-۱-۱- دولتی بودن بانک‌ها

با اعمال کنترل و تسلط دولت بر بانک‌ها و ادغام آن‌ها در یکدیگر، بانک‌ها به صورت یکپارچه درآمدند و تحت نظر یک مجمع عمومی مشغول به کار شدند. با

تشکیل شورای عالی بانک‌ها اختیارات هیات مدیره‌ی بانک‌ها کاهش یافت. این امر از یک نظر به مثابه‌ی ادغام کلیه‌ی بانک‌ها و تشکیل یک بانک بود که شعب اصلی آن را بانک‌های ملی، صادرات، سپه، ملت، مسکن، توسعه صادرات، تجارت و ... تشکیل می‌داد. موضوعی که همواره به نفع بانک‌های ضعیف (در سیستم بانکی) و به ضرر بانک‌های قوی تمام می‌شد و باعث گردید تا به کارایی بانک‌های مختلف کشور به‌خوبی پرداخته نشود.

با دولتی شدن بانک‌ها، موجی از انتظارات گسترده به سوی بانک‌ها سرازیر گردید. بدون توجه به این امر که منابع اصلی بانک‌ها از طریق سپرده‌های مردم تامین می‌گردد. به‌طوری که حتی افتتاح یا تعطیلی شعب در نقاط مختلف کشور تابعی از قدرت چانه‌زنی نماینده‌ی آن شهر یا منطقه گردید، تا تابعی از شاخص‌های اقتصادی. این در حالی بود که در عین فشار بر بانک‌ها جهت سرمایه‌گذاری در طرح‌های کم‌بازده و غیراقتصادی از آن‌ها خواسته می‌شد تا خود را با آخرین شاخص‌های بین‌المللی از جمله

شاخص کفایت سرمایه نیز هماهنگ نمایند.

مطالب فوق در واقع به معنای عدم شفافیت انتظارات دولت از سیستم بانکی بود.

۲-۱-۲- تعیین دستوری نرخ‌های سود

دستوری بودن نرخ‌های سود، سیستم بانکی کشور را در عمل با مشکلات و تناقضات بسیاری روبه‌رو نموده است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.

الف - تورم

مقایسه‌ی نرخ سود سپرده‌های بانکی با نرخ تورم نشانگر این است که نرخ‌های مزبور حداقل در ظاهر از نرخ تورم تبعیت نمی‌کنند. (این مقایسه در جدول ۱ آمده است) به‌طوری که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، سیستم بانکی دولتی کشور، از یک طرف تقریباً هیچ سود واقعی به بقیه‌ی سپرده‌ها پرداخت نکرده است و در عین حال، شیوه‌ی عمل به‌گونه‌ای بوده است که از قدرت خرید اصل مبلغ سپرده‌ها نیز در پایان سال نسبت به سال قبل کاسته شده است. در مقابل این نارسایی نه تنها سود

واقعی چندانی از تسهیلات اعطایی دریافت نشده، بلکه، در بسیاری موارد مبالغی به آن‌ها نیز به صورت یارانه‌های پنهانی، جایزه، و ... پرداخت شده است.

ب - تفاوت بی‌معنی نرخ‌های سود کوتاه‌مدت و بلندمدت

فاصله‌ی زیاد نرخ سود سپرده‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت و ثابت بودن این فاصله به خوبی بیانگر عدم تبعیت این فاصله از منطق‌های بازار می‌باشد. این در حالی است که حداقل در ایران با توجه به نوسان‌های اقتصادی در زمان‌های مختلف انتظار می‌رود این فاصله از دامنه‌ی نوسان محدودی برخوردار باشد.

ج - تفاوت نرخ سود تسهیلات بخش‌های مختلف اقتصادی

این تفاوت نرخ در واقع فاصله‌ای بین ۱۳/۵ درصد (نرخ سود بخش کشاورزی) تا ۲۳ درصد (نرخ سود بخش خدمات) را شامل می‌شود.

بارها شاهد بوده‌ایم که افرادی یا به دلیل اطلاعات اندک یا با انگیزه‌های خاص برای بیان میزان حاشیه‌ی سود بانک‌ها در امر تسهیلات نرخ سود ۲۳ درصد تسهیلات (مربوط به خدمات) را در برابر متوسط نرخ سود سپرده‌های مختلف قرار می‌دهند و در نهایت نتیجه می‌گیرند که حاشیه‌ی سود بانک‌ها در حدود ۹ درصد می‌باشد. این در حالی است که بر مبنای نرخ‌های ورودی و خروجی (نرخ‌ی که به سپرده‌گذار داده می‌شود و نرخ‌ی که برای تسهیلات تعیین گردیده است) و براساس حساب‌های دفترکل بانک‌ها، حاشیه‌ی دقیق سود بانک‌های دولتی حدود ۰/۵٪ است.

از طرف دیگر مشکلی که این مسئله برای بانک‌ها ایجاد می‌نماید این است که به عنوان مثال در بخش کشاورزی نرخ سود تسهیلات در حدود ۱۳/۵ است، در این حالت بانک‌ها باید در پروژه‌های بلندمدت نیز همان نرخ ۱۳/۵ درصد را لحاظ نمایند، در حالی که مجبورند در همان زمان به سپرده‌های درازمدت ۱۷ درصد سود

پرداخت نمایند. هم‌چنین علاوه بر ۱۷ درصد مزبور، بانک‌ها مجبورند ۱۶ درصد کل مبلغ را نیز به صورت سپرده‌ی قانونی نزد بانک مرکزی قرار دهند که نرخ سود آن در بهترین شرایط ۱٪ است. این امر باعث می‌شود تا نرخ سود واقعی پرداختی توسط بانک به بالای ۲۰ درصد برسد، که این به معنای پرداخت یک رانت ۷ تا ۸ درصدی به بخش کشاورزی است. در حال حاضر پایین بودن نرخ سود تسهیلات بخش کشاورزی باعث سودجویی‌های فراوانی تحت این عنوان می‌شود. امری که باعث جابه‌جایی اقسام، صورت‌سازی و غلط شدن آمار اقتصادی و بالطبع تحلیل‌های اقتصادی (چون تسهیلات بخش کشاورزی به بخش‌های دیگر از جمله بخش بازرگانی راه پیدا می‌کند) نیز شده است.

د - تفاوت نرخ سود سپرده‌ها با اوراق مشارکت

یکی دیگر از معضلات اعلام دستوری نرخ سود بانکی، بروز اختلاف قابل توجه و بدون توجه بین نرخ سود سپرده‌ها و اوراق مشارکت دولتی است، به‌عنوان مثال در حال حاضر اوراق خزانه (اوراق مشارکت) با نرخ ۱۷٪ عرضه می‌گردد، در حالی که نرخ‌هایی که در نظام بانکی وجود دارد با نرخ اوراق قابل رقابت نمی‌باشد و در عین حال نقدشوندگی (Liquidity) آن خیلی پایین‌تر از اوراق مشارکت است، و مشتری باید حداقل سپرده‌ی خود را از زمان افتتاح حساب، به مدت ۳ ماه در بانک نگه دارد. بالاخره آن که در اوراق خزانه متعهد دولت است لذا ریسک آن نسبت به سپرده‌های کوتاه‌مدت به‌ویژه در بانک‌های خصوصی کم‌تر است.

به‌عبارت دیگر با توجه به ریسک سیستم بانکی نرخ سود اوراق مشارکت باید از نرخ سود سپرده‌های بانکی کم‌تر باشد در حالی که در عمل برعکس است.

هـ عدم تطابق دستوری بودن نرخ‌ها با اصول اقتصاد اسلامی

به لحاظ شرعی باید به این مسئله توجه

کرد که براساس نظریه‌های اقتصاد اسلامی هر قیمتی که در غیر بازار کار تعیین شود عادلانه نیست و ظالمانه تلقی می‌شود. به همین جهت قیمت‌ها زمانی توجیه شرعی و اسلامی خواهند داشت که براساس علامت‌گیری از تحول قیمت‌کالا و خدمات در بازار سالم و حقیقی تعیین شوند نه این که دولت براساس مصالحی که تشخیص می‌دهد به تعیین نرخ سود و حدود بالا و پایین آن بپردازد.

مشکلات فوق باعث گردیده است تا بانک‌ها به دلیل عدم دریافت سود واقعی از گیرندگان تسهیلات نتوانند به سپرده‌گذاران نیز سود عادلانه مورد انتظار آن‌ها را بپردازند. موضوعی که باعث می‌شود گیرندگان تسهیلات از بانک به هزینه‌ی سپرده‌گذاران، از سوبسید برخوردار شوند، و علاوه بر آن موجب زیان‌دهی یا سوددهی کم بانک‌ها شود.

۳-۱-۲- تسهیم تسهیلات تکلیفی بر بانک‌ها

یکی از موانعی که باعث افت شدید کارایی بانک‌ها گردیده است، تحمیل تسهیلات تکلیفی است. در حال حاضر قانون‌گذار و دولت از طریق ابزارهای مختلفی که در دست دارند تکالیف متنوعی را برعهده‌ی بانک‌ها قرار داده‌اند که این امر علاوه بر کاهش سوددهی بانک‌ها و به تبع آن ضایع شدن حقوق سپرده‌گذاران، بانک‌های کشور را با ریسک عدم برگشت به‌موقع مطالبات و بحران مالی در آینده نیز مواجه خواهد کرد.

در سال ۱۳۸۱ بدهی بخش دولت به سیستم بانکی و بانک مرکزی بالغ بر ۱۵۸ هزار میلیارد ریال بود. از این مبلغ در حدود ۶۳ هزار میلیارد ریال مربوط به بدهی دولت به بانک‌ها است.

به‌طور کلی اثرات منفی مهمی که تسهیلات تکلیفی بر بانک‌ها دارد عبارتند از: تخصیص غیربینه‌ی منابع مالی، اثر منفی بر مشتریان عادی بانک‌ها به دلیل عدم دسترسی سهل و آسان به تسهیلات (گفتنی

بال، به نسبت مورد نظر عمومیت داده شد و تقریباً در تمامی کشورها مورد استفاده قرار گرفت. فارغ از آن که (۱) نظام‌های مالی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، متفاوت‌اند، اجازه‌ی فعالیت بانکی و ترتیبات مالکیت بانک‌ها در نظام‌های مالی، متفاوت‌اند، و منابع در دسترس برای حل بحران مالی در نظام‌های مالی با یکدیگر فرق می‌کند.

مطالب بالا کمیته‌ی بال را مجبور نمود تا در ۲۰۰۱ میلادی اقدام به بازنگری در نحوه‌ی محاسبه‌ی کفایت سرمایه نماید. البته این تغییرات هنوز به اجرا در نیامده است. دولتی بودن سیستم بانکی کشور، از عمده‌ترین موانع موجود در برابر بانک‌های کشور در جهت هماهنگ نمودن خود با شاخص‌های بین‌المللی، از جمله شاخص کفایت سرمایه محسوب می‌گردد. چرا که ساختار دولتی بانک‌ها این اجازه را به بخش‌های مختلف دولتی می‌دهد که براساس ترجیحات کلان یا بخشی، منابع مالی بانک‌ها را مسدود یا به مصارف دلخواه برسانند. به عنوان مثال در ارتباط با تسهیلات تکلیفی و به تبع آن، مطالبات معوق ناشی از این‌گونه تسهیلات (مانند تسهیلات مربوط به خشکسالی و اشتغال) همواره مخرج کسر نسبت کفایت سرمایه را نسبت به صورت کسر، به حدی بالا نگه داشته است که تزریق منابع از روش‌هایی مانند اختصاص سوده‌های سالانه‌ی بانک‌ها به افزایش سرمایه^۲ و ادغام چند بانک^۳ نمی‌تواند پاسخ‌گویی مشکلات موجود باشد.

۲-۲-۳- رقابت غیرمنطقی بین بانک‌ها وجود یک مجمع عمومی برای کلیه بانک‌ها باعث تضعیف شدید بحث نظارت در سیستم بانکی گردیده است. وضعی که هم اکنون با ورود بانک‌های خصوصی به بازار مالی کشور به شدت احساس می‌گردد. همین امر باعث گردیده است تا بعضی از بانک‌ها در رقابت ناسالم و بدون توجه به دستورالعمل‌های بانک مرکزی یا اقدامات غیراصولی موجب هدر رفتن

سرمایه کاربرد دارند تا عملیات بانکی.

در این ارتباط به نظر می‌رسد در بحث بانکداری اسلامی تا حدودی شتاب‌زده عمل گردیده است، چرا که در مقابل قرض ربوی حاکم بر سیستم بانکی سنتی ما سریعاً بحث مشارکت در سود و زیان را مطرح کردیم، دو عقدی که درست مقابل یکدیگرند. به عبارت دیگر اگر قرض ربوی را یک طرف طیف انواع معاملات در نظر بگیریم، عقد مشارکت طرف دیگر آن است، و بقیه معاملات در طیفی از دامنه‌های مختلف در بین این دو قرار دارند. این بدان معناست که در مقابل افراط قبلی به، تفریط افتاده‌ایم.

لذا در عمل می‌بینیم که به دلیل مشکلات عقود مثل عقد مشارکت، ۶۰ درصد از معاملات برحسب عقود با بازدهی ثابت، مانند عقد فروش اقساطی انجام گرفته است و ۴۰ درصد مابقی از طریق عقود دیگر. البته این نسبت در دیگر کشورهای اسلامی به ۷۰ به ۳۰ و حتی ۸۰ به ۲۰ نیز می‌رسد.

از طرف دیگر گستردگی عقود در بانکداری بدون ربا باعث گردیده است تا مشتریان سیستم بانکی و حتی کارمندان با مشکلات عدیده‌ای ناشی از عدم تسلط به کلیه جنبه‌های عقود مواجه گردند.

۲-۲-۲- عدم هماهنگی با شاخص‌های بین‌المللی (کفایت سرمایه)

بحث کفایت سرمایه را اولین بار در ۱۹۸۸ کمیته‌ی بال برای ده کشور توسعه یافته - تشکیل دهندگان این کمیته - مطرح کرد. در آن زمان کمیته‌ی مزبور با بررسی وضعیت سیستم بانکی، سعی نمود تا شاخص‌های مورد قبولی در جهت نظارت بر بانک‌های کشورهای عضو طراحی نماید، که ثمره‌اش در طراحی نسبت کفایت سرمایه متبلور گردید.

مشکل از زمانی آغاز شد که بدون توجه به وضعیت خاص ده کشور عضو کمیته‌ی

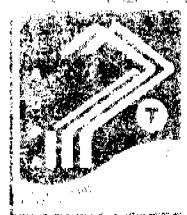
است که این امر یکی از عوامل اصلی گسترش صندوق‌های قرض الحسنه در کشور می‌باشد)، اثر منفی بر سودآوری بانک‌ها، و افزایش ریسک اعتباری بانک‌ها، چرا که برخی متقاضیان تسهیلات تکلیفی، اعطای این‌گونه تسهیلات را کمک بلاعوض دولت تلقی می‌کنند و اعتقادی به بازپرداختشان ندارند.

۲-۱-۴- دخالت دولت در تعیین کارمزد خدمات بانکی

دخالت دولت در تعیین کارمزد خدمات بانکی و عدم تناسب تعرفه‌های تعیین شده با هزینه‌ی واقعی خدمات ارائه شده توسط بانک‌ها منجر به افت کیفیت خدمات بانکی و تضعیف مسالی و افت درآمد بانک‌ها گردیده است. به طوری که کارمزد خدمات بانکی در حال حاضر در مقایسه با بانک‌های خارجی و نوع خدماتی که به مشتریان ارائه می‌گردد بسیار اندک است و کمکی به پوشش هزینه‌های مربوط و سودآوری بانک‌ها نمی‌نماید. این در حالی است که در بانکداری امروز دنیا درآمد و سود اصلی بانک از محل کارمزد خدمات بانکی تامین می‌شود و درآمد مربوط به تفاوت سود تسهیلات و سپرده‌ها به دلیل بازار رقابتی موجود بسیار اندک و ناچیز است. به عنوان مثال در ۱۳۸۱، هزینه‌ای که بانک ملی ایران برای ارائه خدمات خود تحمل کرد، تقریباً ۵۲۷ میلیارد ریال بیش از کارمزد دریافتی‌اش بود.

۲-۲- مشکلات عملیاتی

۲-۲-۱- وجود طیف گسترده‌ای از عقود بانکداری بدون ربا که به عنوان جایگزینی برای بانکداری متعارف و سنتی پیشنهاد گردیده است، از جهات مختلف با پیچیدگی‌های گسترده‌ای روبه‌رو است، که از آن جمله می‌توان به تنوع معاملات اشاره نمود. به عبارت دیگر، بعضی از معاملات دارای سود ثابت‌اند و بعضی دیگر همراه با سود متغیر از طرف دیگر بعضی از معاملات از نوع مشارکت هستند که بیشتر در بازار



CPE

جامعه حسابداران رسمی ایران درباره آموزش حرفه‌ای مستمر «احم»

همکاران و اعضای محترم

چنانچه مستحضرید آموزش حرفه‌ای مستمر «احم» از الزامات تشکیل‌های حرفه‌ای است. براساس ضوابط فدراسیون بین‌المللی حسابداران (IFAC) آموزش حرفه‌ای مستمر جزء الزامات اجباری تشکیل‌های عضو تلقی، و افزون بر این پیش‌بینی ضوابط انضباطی به منظور اطمینان یافتن از رعایت مفاد آن نیز الزامی شده است. اساس آموزش حرفه‌ای مستمر حفظ صلاحیت حرفه‌ای حسابداران رسمی در بلندمدت است. هدف‌های آموزش حرفه‌ای مستمر به قرار زیر است:

دانش فنی و مهارت‌های حرفه‌ای اعضا را در سطحی قابل قبول حفظ کند و بهبود بخشد.
اعضای حرفه را در به‌کارگیری تکنیک‌های جدید، شناخت پیشرفت‌های اقتصادی و ارزیابی آثار آن بر صاحبکاران، کارفرمایان و کار اعضا و نیز برآورده کردن انتظارات گوناگون جامعه از حسابداران یاری کند.

نظام اقتصادی کشور، در کل اطمینان یابد، اعضای حرفه، از دانش فنی و مهارت‌های حرفه‌ای مورد نیاز برای ارائه خدمات خود برخوردارند.
پیشنهاد فدراسیون بین‌المللی حسابداران آن است که هر عضو باید حداقل ۳۰ ساعت آموزش در سال یا ۹۰ ساعت آموزش در هر دوره سه‌ساله را بگذرانند. پیشنهاد اولیه در جامعه ۲۰۰ امتیاز برای اولین دوره دوساله (آزمایشی) است که این امتیاز برحسب مورد به ساعت تبدیل و اعلام خواهد شد. ۲۰۰ امتیاز مزبور حدود ۱۰۰ ساعت آموزش حرفه‌ای مستمر پیش‌بینی می‌شود.

اولین موضوع تعیین شده در مجله حسابدار، مطالعه مقاله پژوهش‌های رفتاری در حسابرسی (صفحه ۱۳) است که توسط آقایان دکتر یحیی حساس‌یگانه و عبدالرضا تالانه تهیه شده و دارای ۱۵ امتیاز آموزش حرفه‌ای، در صورت پاسخ درست و کامل دادن به سوالات زیر است. ضمن سپاسگزاری از دست‌اندرکاران مجله حسابدار و آقایان دکتر حساس‌یگانه و تالانه، مجموعه پاسخ‌های سوالات در صورت امکان به نحو مناسب منتشر خواهد شد.

۱) مفهوم خود نظمی در مکانیزم کنترل کیفیت حرفه حسابرسی، کدام گزینه زیر است؟
الف) از حساب‌برسان انتظار می‌رود خدمات خود را با دقت انجام دهند.
ب) حساب‌برسان باید از استانداردهای دیده شده تشکیل حرفه‌ای پیروی کنند.
ج) از حساب‌برسان خواسته می‌شود خدمات خود را در ظاهر و به واقع با عینیت (بی‌طرفی) انجام دهند.
د) هر سه مورد بالا.

۲) تضاد حرفه‌ای - سازمانی، "استرس و ابهام نقش" و "خصوصیات شغلی" از دلایل جابجایی شغلی حساب‌برسان به‌شمار می‌رود. در این زمینه کدام گزینه زیر درست است؟

الف) ابهام و تضاد که حساب‌برسان مستقل با آن روبه‌روست، یک منشاء استرس مرتبط با کار و نارضایتی شغلی است.
ب) ویژگی‌های خاص یک شغل و محیطی که در آن کار می‌شود، نقش تعیین‌کننده‌ای در ناخشنودی افراد از شغل خود ندارد.
ج) ابهام نقش و رضایت شغل ارتباط مستقیم با یکدیگر دارند.
د) کمبود حقوق و دستمزد، نحوه ارزیابی عملکرد و بالا بودن فشار روانی کار، عوامل نارضایتی حساب‌برسان در جهان است.
۳) کدام یک از گزینه‌های زیر درست نیست؟

الف) به نظر می‌رسد منحنی فراگیری برای حرفه‌ای‌های با تجربه، پس از چند سال حسابرسی کاملاً صاف شده باشد.
ب) بین حساب‌برسان شاغل در موسسات حرفه‌ای بزرگ و آنهایی که در موسسات کوچک شاغلند تفاوت سیستماتیک وجود ندارد.
ج) گفته می‌شود ارائه خدمات غیرحسابرسی، و حق الزحمه آن، مشترکاً باعث کم کردن تعهد حسابرسی به استانداردهای حرفه‌ای کار می‌شود.
د) رهبری "متغیری کلیدی در رفتار گروهی و سازمانی است.

۴) حساب‌برسان در کدام یک از وضعیت‌های زیر ملزم به تصمیم‌گیری و قضاوت هستند؟
الف) طراحی نرم‌افزارهای الکترونیکی.

ب) طراحی مجموعه‌ای از رویه‌های موثر حسابرسی

ج) ارزیابی ریسک

د) ارزیابی اثربخشی و انکاپذیری کنترل داخلی

۵) به نظر شما چه عواملی می‌تواند، آموزش و جذب نیروی کارآمد برای حسابرسی را تسریع کند؟

پژوهش‌های رفتاری در حسابداری*

جامعه حسابداران رسمی ایران
آموزش حرفه‌ای مستمر (احم)
مطالعه این مقاله و پاسخ درست به سوال‌های طرح شده
در صفحه ۱۲ این مجله ۱۵ امتیاز دارد

دکتر یحیی حساس‌یگانه
عبدالرضا تالانه



حسابرسی فعالیتی است که با پردازش اطلاعات و جستجوگری درگیر است. نیاز به گزارش‌های مباشرتی، که از سوی مرجعی مستقل رسیدگی شده باشد، باعث تحول حسابرسی شده است. متداول‌ترین شکل فعالیت حسابرسی آزمودن داده‌های یک گزارش مالی و به دنبال آن صدور اظهارنظر تخصصی است. این نوع از حسابرسی را حسابرسی صورت‌های مالی یا به

اختصار حسابرسی مالی می‌نامند. انواع دیگر حسابرسی شامل حسابرسی رعایت، و حسابرسی عملیاتی است. اما دامنه‌ی این مقاله به بررسی و ملاحظه‌ی نقش حسابرس مستقل در حسابرسی صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس‌های سهام محدود می‌شود.

چون کار حسابرسی توسط تیم‌ها انجام می‌شود و موسسه‌ی حسابرسی باید چندین کار حسابرسی و امور در جریان هر یک از

حسابرسی شاخه‌ای از دانش اجتماعی است. شناخت مردم از اهمیت حسابرسی همراه با درگیری فزاینده‌ی حسابرسان و موسسات حسابرسی در دعاوی حقوقی به شناساندن بیشتر آن در کشورهایی که محیط حقوقی فریه‌تر دارند کمک کرده است. علاوه بر این، زیان مالی دعاوی حقوقی علاقه‌ی زیادی را به ابعاد رفتاری حسابرسی به‌ویژه با توجه

به نقش تصمیم‌گیری و قضاوتی حسابرسان ایجاد کرده است. با این وجود، آگاهی اندکی نسبت به ابعاد رفتاری حسابرسی، به‌ویژه در ایران، وجود دارد. در این مقاله یافته‌ها و نتایج برخی از تحقیقات اخیر درباره‌ی ابعاد رفتاری حسابرسی، که در خارج انجام شده است، مرور و بررسی می‌شود. آگاهی از این یافته‌ها می‌تواند سرمشق و راهنمای کار حرفه‌ی حسابرسی در ایران قرار گیرد.

آنها را هماهنگ کند، کنترل کیفیت کار حسابرسی بسیار دشوار می‌شود و اهمیت ویژه می‌یابد. یکی از موثرترین مکانیزم‌های کنترل کیفیت، خود نظمی حرفه‌ای حسابرسی است. از حسابرسان مستقل انتظار می‌رود خدمات خود را با عینیت و صداقت انجام دهند و از استانداردهای فنی و رفتاری تدوین شده توسط انجمن حرفه‌ای خود (برای مثال AICPA در آمریکا) پیروی کنند. این استانداردها نه تنها بر عمل قابل قبول حسابداری ناظر هستند، بلکه بر ماهیت تعامل بین حسابرس و صاحبکار نیز حاکم است. استانداردهای فنی و رفتاری حرفه‌ای عامل مهمی در حسابرسی است که بر رفتار حسابرسان اثرگذار است.

به پدیده‌ی رفتار و طرز برخورد کاری حسابرسان توجه ویژه‌ای شده است. پژوهشگران زیادی علاقه‌مندند علت رفتار مردم را بدانند. پاسخ این سوال که چرا مردم این گونه رفتار می‌کنند معمولاً به تفاوت‌های فردی، منش و شخصیت، طرز برخورد، آموزش‌های قبلی، و انگیزش فردی نسبت داده می‌شود. این نوشته سعی دارد به سوال بالا در حوزه‌ی حسابرسی پاسخ دهد. بنابراین، تحقیقات موجود درباره‌ی عوامل تعیین‌کننده‌ی رفتار مرتبط با کار حسابرسی مرور و بررسی می‌شود. در بررسی حاضر، ابتدا رفتار مرتبط با کار حسابرسی از منظر فردی بحث می‌شود و پس از آن رفتار مرتبط با کار حسابرسی از منظر گروهی و سازمانی ارائه می‌شود.

از منظر فردی موضوعاتی چون رضایت و جابه‌جایی شغلی، عملکرد، تأثیرات فرهنگی، قضاوت و تصمیم‌گیری حسابرس، درستی قضاوت، و قضاوت و استقلال حسابرس قابل بررسی است که در زیر ارائه می‌گردد.

در حوزه‌ی حسابرسی جابه‌جایی شغلی زیاد مشاهده می‌شود. با توجه به نرخ نسبتاً زیاد جابه‌جایی حسابرسان، که بین موسسات حرفه‌ای حسابداری رایج است، پژوهشگران علاقه‌ی زیادی به شناخت عوامل مرتبط با این جابه‌جایی، میل به جابه‌جایی و ناراضی‌تبی شغلی نشان داده‌اند. در این راستا آنها به سه عامل اولیه بیشتر توجه کرده‌اند: تضاد حرفه‌ای - سازمانی، استرس و ابهام نقش، و خصوصیات شغلی.

در یکی از آخرین مطالعات رفتاری حسابداری، سورنسن (۱۹۶۷) تضاد آشکار بین حرفه‌گرایی حسابرس و سازمان‌گرایی مورد انتظار یا الزامی شده با عضویت در یک سازمان بوروکراتیک،

هم‌چون یک موسسه‌ی حسابرسی بزرگ، را بررسی کرد. او نتیجه گرفت که وقتی حسابرسان در یک محیط حرفه‌ای بوروکراتیک مثل موسسات بزرگ کار می‌کنند، ممکن است بین ارزش‌های آنها و ضوابط حرفه‌ای تضاد بروز کند و به ناراضی‌تبی شغلی و ترک شغل منتهی گردد. او متذکر می‌شود که طرز رفتار و باورهای ناشی از عضویت در جامعه‌ی حرفه‌ای، حسابرس را اغلب در موقعیت چالش و جابه‌جایی قرار می‌دهد. این نتیجه تا حد زیادی در مطالعه‌ی بعدی سورنسن و سورنس (۱۹۷۴) تأیید شد.

اما همه‌ی تحقیقات برای ایده‌ی تضاد حرفه‌ای - سازمانی شواهد نیافتند. برای مثال، آرانیا و همکارانش (۱۹۸۲) دریافتند که بین تعهدات حرفه‌ای و سازمانی یک نمونه‌ی ۱۲۰۰ نفری از حسابداران رسمی کانادا همبستگی مثبت وجود دارد. به طریق مشابه، آرانیا و فریس (۱۹۸۴) داده‌های بیش از ۸۰۰ حسابرس آمریکایی را جمع‌آوری و موارد زیر را مشاهده کردند:

- ۱- تضاد حرفه‌ای - سازمانی حسابرسان شاغل در موسسات حرفه‌ای از حسابداران شاغل در سایر سازمان‌ها کم‌تر است.
- ۲- در موسسات حرفه‌ای، سطح تضاد درک شده به‌طور معکوس با سمت فرد در سلسله‌مراتب سازمانی تغییر می‌کند.
- ۳- درک تضاد رابطه‌ی منفی با رضایت شغلی و رابطه‌ی مثبت با میل به جابه‌جایی شغلی دارد.

باید متذکر شد که مطالعات ذکر شده در بالا، تضاد بالقوه بین ارزش‌های حرفه‌ای حسابرس مثل پای‌بندی به رعایت استانداردهای حسابرسی و ارزش‌هایی را که با عضویت در یک موسسه حسابرسی به او تحمیل می‌شود (مثل تعهد برای ارضای بودجه زمانی) مرتبط می‌سازد. درحالی که تضاد ممکن است در اشکال دیگر هم مشاهده شود.

چرچیل و کوپر (۱۹۶۵) در یک مطالعه‌ی کلاسیک از ارتباطات حسابرس - صاحبکار، مشاهده کردند که کارکنان یک واحد تجاری که توسط حسابرسان داخلی حسابرسی می‌شوند معمولاً حسابرسان را غیرخودی می‌دانند و تلاش می‌کنند فعالیت‌های جستجوگرانه آنان را مختل نمایند. بنابراین حتی درون یک سازمان، حسابرس به صورت پلیسی دیده می‌شود که سعی دارد شواهدی برای نادرستی کار مدیران و کارکنان فراهم آورد. این رابطه‌ی ناخوشایند ممکن است در حالتی که حسابرس مستقل است و بدون آشنایی قبلی با صاحبکار و کارکنانش از سوی نهادهای مقررات‌گذار تحمیل می‌شود، تشدید گردد. در تحقیق دیگری ویلکاکس و اسمیت (۱۹۸۲) به یک نتیجه‌ی جالب رسیدند. آنها مشاهده کردند که هر چه کارکنان تحصیل کرده‌تر باشند درک بیشتری از تضاد با حسابرس مستقل و ترس از آن وجود دارد.

به نظر می‌رسد از این یافته‌ها روی هم یک نتیجه‌ی سازگار به‌دست می‌آید مبنی بر این‌که ابهام و تضاد که حسابرسان مستقل با آن روبه‌رو می‌شود یک منشا استرس مرتبط با کار و نارضایتی شغلی است. این نتیجه اگر برای تمام حرفه‌ها درست نباشد، تا حد زیادی برای بیشتر حرفه‌ها درست است.

ویژگی‌های خاص یک شغل و محیطی که در آن کار انجام می‌شود می‌تواند باعث ناخشنودی افراد از شغل خود شود و در بعضی موارد فرد منصرف شده و کار خود را رها کند. رود و همکارانش (۱۹۷۷) نتایج مصاحبه‌های حسابرسانی را که داوطلبانه یا غیرداوطلبانه مستعفی شدند ارزیابی کردند. آنها دریافتند که ویژگی‌های گوناگون محیط کاری از جمله علل اولیه‌ی جابه‌جایی شغلی بوده است. پرتکرارترین ویژگی‌های ذکر شده عبارت بودند از: ناتوانی در ارضای تقاضاهای متضاد سرپرست، عدم اطمینان مرتبط با انتظارات سرپرست، عدم اطمینان درباره‌ی عملکرد ارزیابی شده، و احساس دوست داشته نشدن و پذیرفته نشدن. دیلارد و فریس (۱۹۷۹) نتایج قابل مقایسه‌ای بایک نمونه‌ی ۳۰۶ تایی از حسابرسان سطح ستاد (شریک و مدیر) به‌دست آوردند. آنها دریافتند که به‌نظر می‌رسد تصمیم استعفا تا حد زیادی تابعی از پیامدهای ارزیابی منفی کار حسابرسان باشد و احساس یا خیال این‌که می‌شد با شغل دیگری از آن پرهیز کرد. ساعتچی، حساس‌یگانه، و اعرابی (۱۳۷۹) عوامل تاثیرگذار بر رضایت شغلی حسابرسان را در موسسات حسابرسان ایرانی بررسی‌کردند. آنها در تحقیق خود سه عامل زیر را از جمله عوامل نارضایتی حسابرسان ایرانی ذکر کردند:

میزان حقوق و دستمزد، نحوه‌ی ارزیابی عملکرد، و بالا بودن فشار روانی محیط کار. هم‌چنین آنها در تحقیق خود دریافتند که موارد زیر از جمله عوامل رضایت حسابرسان ایرانی است: امنیت شغلی، نحوه‌ی سرپرستی، رابطه‌ی خوب با همکاران، چالشی بودن شغل، وجود فرصت‌های رشد و ترقی، اعتبار و درجه‌ی رسمیت موسسه.

از منظر سازمانی و فردی مهم‌ترین عامل خود رفتار است. عملکرد افراد با در نظر گرفتن مشارکت آنها در موفقیت کلی و اثربخش یک سازمان عامل مهمی است. علاوه بر این چنان‌چه سالانسیک (۱۹۷۷) متذکر شده عملکرد قابل مشاهده است و بنابراین معرف پذیرش اهداف و مقاصد سازمانی از سوی افراد است. با شناخت اهمیت این متغیر، تعدادی از پژوهشگران ارتباط

سطح تضاد یا دست‌کم احساس سطح تضاد بین مدیریت و حسابرسان خارجی در بیشترین حد دیده می‌شود. گولدمن و بارلیو (۱۹۷۴) این پدیده را به این حقیقت نسبت می‌دهند که مدیران در نتیجه‌ی اظهار نظر حسابرسان بیشترین زیان را می‌بینند. اظهار نظر حسابرسان در این باره که مدیر ممکن است به‌طور کامل مسئولیت‌های خود را اجرا نکرده باشد نه تنها لطمه‌ی روانی آشکار برای مدیر دارد بلکه پی‌آمد اقتصادی خیلی واقعی قابل تحمیل توسط سهامداران شرکت در بازارهای مالی هم وجود دارد. کناپ (۱۹۸۵) در پژوهش خود دریافت که کار حسابرسان مستقل اغلب ترغیب کردن مدیران به انجام دقیق کارهایی است که نمی‌خواهند انجام دهند.

تضاد - چه بین ارزش‌های حرفه‌ای یک فرد و وفاداری سازمانی باشد یا بین خودش و کارکنان صاحبکار - سرانجام عوارض شخصی می‌گیرد. در واقع، بعضی پژوهشگران چنین فرضیه‌سازی کرده‌اند که وقوع زیاد جابه‌جایی در حرفه حسابرسان (حسابداری رسمی/عمومی) تا حدی قابل استناد به عوامل ابهام نقش، تضاد، و استرس مرتبط با آن است که اغلب در کار حسابرسان دیده می‌شود. برای مثال سناترا (۱۹۸۰) دریافت که تضاد نقش و استرس کار به‌طور مثبت و تا حد زیادی همبسته هستند، یعنی تضاد زیاد استرس زیاد می‌آورد؛ و ابهام نقش و رضایت شغلی به‌طور منفی و زیاد همبسته هستند، یعنی ابهام زیاد به رضایت کم منجر می‌شود. کلی و سیلر (۱۹۸۲) هم نتایج مشابهی یافتند. آنها مشاهده کردند که حسابرسان (بیشتر حسابرسان ارشد) مسئول عملیات روزمره یک حسابرسان، بالاترین سطح استرس شغلی را تحمل می‌کنند، و این استرس، بیشتر نتیجه‌ی مستقیم محدودیت بودجه و زمان است که در کار با آن مواجه هستند.^۱ لنگرمان (۱۹۷۱) با ملاحظه‌ی تضاد ارزش سازمانی - حرفه‌ای، مشاهده کرد که تضاد و استرس ممکن است به تمایل حرفه‌ای حسابرسان برای به‌دست آوردن استقلال حرفه‌ای کافی و ناتوانی رسیدن به آن مربوط باشد. یعنی حسابرسان خواهان رسیدن به استقلال است و در عین حال در رسیدن به استقلال حرفه‌ای ناتوان است و این موضوع باعث بروز تضاد و استرس می‌شود. سورنسن و همکارانش (۱۹۷۳) به نتیجه مشابهی رسیدند. آنها دریافتند که اختلاف زیادی بین انتظارات حسابرسان تازه‌کار و تجربه‌ی واقعی آنها وجود دارد. آنها اظهار می‌کنند که حسابرسان تازه‌کار در رویارویی با طیف وسیعی از مشکلات، شامل استقلال داخلی، ارزیابی عملکرد، ارتقا، نظارت، و تنوع کاری بین دیگران دچار شوک واقعیت می‌شوند.

بانکداری الکترونیک و مشکلات زیرساختی ایران*

دکتر بهمن ذوالفقاریور

نیاز به ایجاد شبکه‌های محلی و پر دامنه را ایجاد کرد. این شبکه‌ها به شکل LAN ساخته شد. این شبکه‌ها مستقل از هم ایجاد می‌شدند ولی در عمل اتصال این شبکه‌ها به هم دیگر لازم شد.

این نیاز در اواخر قرن بیستم با پیدایش یک زبان مشترک برای ارتباط شبکه‌های رایانه‌ای ساخته شد (TCP/IP) که با پیدایش آن زبان اینترنت تولد یافت. پیدایش اینترنت یک نیاز

دیگر را نیز به وجود آورد و آن شبکه‌های مخابراتی با پهنای باند وسیع برای نقل و انتقال داده‌ها بود. در این جا یک هم‌زیستی بین مخابرات و رایانه‌ها به وجود آمد. دیگر علوم مربوط به کاربرد رایانه‌ها و اطلاعات فناوری اطلاعات جدا از فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌گویند. شبکه‌های مخابراتی بر مبنای پروتوکل اینترنت IP ساخته شدند



نیمه‌ی دوم قرن بیستم را می‌توان عصر رایانه قلمداد کرد. در این دوره رایانه‌های مرکزی و بعداً شخصی افزار کارهای بزرگ شد. سازمان‌های بزرگ، دولت‌ها و بانک‌ها آن چنان به خدمات رایانه‌ای وابسته شدند که نبودش دیگر قابل تصور نبود. توسعه‌ی کاربرد رایانه‌ها در عملیات اجرایی

زمانی بود که انسان بدون خط و زبان مدون به زندگی طبیعی‌اش ادامه می‌داد. تشکلات انسانی ابزارهای ارتباطی را ضروری ساخت. کار به جایی رسید که افراد بدون توانایی خواندن و نوشتن از انجام امور روزانه خود ناتوان شدند. این تحول به پیدایش وسایل ارتباط جمعی و در اواخر به جمعی جادویی تلویزیون منتهی شد. بحث طولانی این

تحولات فناوری در وسایل ارتباطی از حوصله‌ی این بحث خارج است و موضوع را یک داده‌ی پذیرفته می‌انگاریم. نقش رایانه و اینترنت در زندگی بشر آن چنان گسترده و فراگیر شده است که از یک دربان تا بالاترین مقام‌ها در یک سازمان ناچار به دانستن نحوه‌ی استفاده از این افزار الکترونیکی هستند.

عملی و انسانی است. برای استفاده از اینترنت و هدایت آن به راه گسترش فرهنگ و تمدن ایرانی هم‌زمان با بهره‌گیری از آن برای دستیابی به آخرین دستاوردهای علمی و فناورانه باید برنامه‌ی سنجیده‌ای ریخته شود. اولین اقدام ایجاد بستر مخابراتی مناسب برای کاربردهای اینترنت است. اگر دولت دسترسی به اینترنت را جزو هدف‌های کلان خود بگذارد و از کسانی که در این کار اقدام می‌کنند حمایت بی‌قید و شرط کند، توسعه‌ی اینترنت و کاربردهای آن توسط مردم انجام خواهد شد. در عوض دولت باید به تنظیم شرایط و ضوابط کاربرد اینترنت پردازد که اکثر دولت‌های پیشرفته به این کار مشغولند. هزینه‌ی ایجاد شرایط مورد نیاز برای حفظ فرهنگ ملی زیاد است و از عهده‌ی افراد خصوصی بر نمی‌آید. دولت می‌باید در این زمینه سرمایه‌گذاری کند. به‌وجود آوردن موتورهای بازیابی و کاوش روی اینترنت و ترجمه‌ی متون به‌طور اتوماتیک و فوری از نیازهای این اقدام است. غافل نباید بود که کارهای پراکنده‌ای در این زمینه صورت گرفته لیکن چون با بودجه‌های محدود و با هدف‌های کلان نبوده نتایج لازم را حاصل نکرده است.

از شبکه‌ی مجازی دولت (VPN) تا ایجاد شبکه‌ی مجازی رشد برای آموزش و پرورش تا ارائه‌ی خدمات بانکی یا اطلاع‌رسانی همه و همه نیاز به مرکز محاسباتی دارند (خواهشمندم ملاحظه فرمایید که بنده مابین Data Center (DC) برای خدمات هاستینگ و مرکز خدمات کاربردی تفاوت مرکز داده‌ها مشابه یک کتابخانه است که در آن اطلاعات ذخیره شده است و متقاضیان می‌توانند به آن مراجعه کنند و خواسته‌های خود را از آنجا بردارند و بروند. امکان دستکاری بر روی آن اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها نیست مرکز

دارد از آموزش تا بهداشت از تولید تا توزیع از دانش تا انحراف از دین تا ضد دین و... تاثیرات اینترنت آن‌قدر سریع و قوی است که مجال سهل‌انگاری را نمی‌دهد. اگر خود را برای راهبری و هدایت آن به‌سوی هدف‌هایمان آماده نکنیم اینترنت، خود و راه و مسیرش را بر ما تحمیل خواهد کرد. بعضی‌ها دنبال محدود کردن دسترسی به مسیرهای خاصی از اینترنت هستند، گروه‌هایی برعکس دنبال آنند که کاربران را به‌سوی خود بکشانند. در تجارت و صنعت استفاده از اینترنت بدون ایمن‌سازی مسیرهای دسترسی پذیرفته نیست. فرضاً یک بانک محال است مرادوات خود را از طریق اینترنت انجام دهد مگر آن که اطمینان داشته باشد که فقط افراد مجاز امکان دسترسی به مسیرهای مکاتباتی بانک را دارند. این تمهیدات و تجهیزات مورد نیاز آن امروزه در دسترس است و می‌توان تا حد بالایی از ایمنی مسیرهای استفاده از اینترنت بهره گرفت.

لیکن ایمنی فرهنگی وجود ندارد. زبان اصلی اینترنت زبان انگلیسی است. کاربران فارسی زبان دسترسی به منابع و مراجع مورد نیاز را با استفاده از زبان انگلیسی انجام می‌دهند. فرانسویان اولین ملتی بودند که به‌این هجوم فرهنگی پی بردند و سعی کرده‌اند زبان و فرهنگ خود را در مقابل هجوم اینترنت محافظت کنند.

تصور بفرمایید که نسل آینده ایران که با اینترنت پرورش می‌یابد از خواندن و نوشتن زبان فارسی محروم گردد. این محرومیت نسل‌های آینده ما را از غنی‌ترین فرهنگ جهان محروم خواهد کرد. فرهنگی که در آن اولین سکه درست شده است، اولین چک صادر شده است، اولین یکستاپرستی درست شده است، اولین حکومت مرکزی سازمان یافته درست شده است و بسیاری دیگر از نمادهای تمدن بشری از آن نشأت گرفته است. پاسداری از این تمدن و فرهنگ یک وظیفه‌ی ملی،

و تمام تلاش‌ها براین متمرکز شد که علوم و فنون مخابراتی را که طی بیش از یک قرن برای ارتباطات صدا (مکالمه) توسعه یافته بود با ارتباطات داده‌ها همگن و سازگار کنند. می‌توان ادعا کرد که در ربع آخر قرن بیستم در هیچ بخشی از فعالیت‌های بشری به اندازه‌ی ایجاد شبکه‌های رایانه‌ای و بخش فسنواری اطلاعات و ارتباطات سرمایه‌گذاری نشد.

در کشور ما هم‌زمان با کشورهای پیشرفته صنعتی کاربرد رایانه‌ها و ساخت شبکه‌های ارتباطی بین آنها از سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی در اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰ شروع شد. مدرن‌ترین تجهیزات رایانه‌ای و ارتباطی آن‌ها هم‌زمان با پیشرفته‌ترین کشورهای جهان در ایران هم مورد استفاده قرار می‌گرفت. لیکن در دوران پس از انقلاب اسلامی به‌دلیل تحریم‌ها ما نتوانستیم با کشورهای پیشرفته همگام شویم. به‌دلیل مشکلات متنوع از کاروان تمدن اینترنتی بسیار عقب افتاده‌ایم. به‌رغم سرمایه‌گذاری‌هایی که در ساخت شبکه‌های داده‌ها و فیبر نوری شده است نسبت به نیازها ناچیز است. برنامه‌های آن برای عرضه‌ی این خدمات به مصرف‌کننده نامشخص و بسیار نارساست. گفتنی است که در کشورهای پیشرو و صنعتی هم مسئله‌ی آخرین کیلومتر اتصال به شبکه‌ها حل نشده است.

می‌توان ادعا کرد که فرهنگ‌سازترین و در عین حال فرهنگ خورترین پدیده‌ای که بشر تا به امروز ابداع کرده است اینترنت است. چون لبه‌ی تیز شمشیر است که اگر بر روی ما باشد ما را می‌برد. اگر رو به ما باشد به‌نفع ما خواهد برد. اینترنت را اگر به‌درستی هدایت کنیم بالاترین بهره‌ها را از آن می‌توان برد. در تمام امور زندگی کاربرد

دیتا یک بانک اطلاعات است. مرکز داده‌ها یک محل جمع‌آوری و ارائه‌ی داده‌ها است. در اروپا و آمریکا مبالغ کلانی صرف ایجاد مراکز داده‌ها شده است و امروزه این مراکز در اکثر نقاط دنیا بی‌استفاده‌اند. یکی از نمونه‌های این مراکز را شرکتی به اسم اکسودوس تاسیس کرد که بیش از ۳۰٪ خدمات داده‌های آمریکای شمالی را تامین می‌کرد. لیکن به علت آن که خدمات ارزشمندی به بازار ارائه نمی‌داد به ورشکستگی افتاد. البته می‌توان شکل و شمایل ظاهری برای ارائه‌ی داده‌ها به وجود آورد. مرکز خدمات کاربردی مورد نظر نگارنده مشابه یک آزمایشگاه است. در آنجا انواع اطلاعات و داده‌ها جمع‌آوری می‌گردد و افزارهایی هم تعبیه می‌شود که می‌توان بنا به نیاز از ترکیب داده‌ها و اطلاعات محصول مورد نظر را به دست آورد. برای مثال ارقام خرید، فروش، هزینه‌های توزیع و بالاسری را از قسه‌ی اطلاعات دریافت می‌دارد و آن را در سامانه‌ی حسابداری صنعتی می‌ریزد و از نتیجه‌ی آن سود، زیان و تغییرات انبار و... را به دست می‌آورد. با توجه به آن که در ایران بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات توسعه گسترده‌ای ندارد استفاده از مرکز خدمات کاربردی می‌تواند عقب‌افتادگی در این زمینه را در مدت اندکی جبران کند. فلسفه‌ی مرکز خدمات کاربردی این است که نرم‌افزار را یک‌بار تهیه کرده به طور دائم در اختیار متقاضیان قرار دهد. معنای این کار خرید یک بار و مصرف بسیار متعدد است. نتیجه‌ی استفاده از آخرین نسخه‌ی نرم‌افزارها به کم‌ترین بها دسترسی به کاربردها به وسیله‌ی یک دستگاه ارزان قیمت (حدود ۳۰۰ دلار برای هر کاربر) به نام TC می‌باشد که شامل مونی‌تور، کلید حروف و موس می‌باشد. یک وسیله‌ی اتصال به اینترنت جایگزین دستگاه مرکزی (پردازنده و کنترل کارت‌ها و... دیسک‌ها شامل فلاپی، هارددیسک، CD و...) می‌گردد. پیش‌بینی می‌شود که در آینده‌ی

نزدیک TC جایگزین PC گردد. البته امکان آن نیز هست که از PC موجود برای استفاده از خدمات مرکز خدمات کاربردی استفاده شود. قدیمی‌ترین PCها را هم می‌توان در این راه به کار برد و با آنها تمام عملیات پیچیده‌ی محاسباتی و رایانه‌ای را انجام داد. این کار با نصب یک نرم‌افزار به نام ICA Client انجام می‌پذیرد که PC را به TC تبدیل می‌کند. پردازنده‌ی محلی قطع می‌شود و ارتباط با مرکز خدمات کاربردی از طریق اینترنت جایگزین می‌شود.

برنامه‌های کاربردی به لحاظ استاندارد آنهایی هستند که از MS Windows NT یا XP استفاده می‌کنند زیرا بیش از ۹۰٪ برنامه‌های کاربردی رایانه‌ها بر این مبنا می‌باشد. استفاده از برنامه‌های دیگر از قبیل UNIX و LINUX نیز امکان‌پذیر است و می‌توان آنها را نیز در مرکز خدمات کاربردی نصب کرد.

امروزه استفاده از خدمات رایانه‌ای متمرکز مورد توجه بسیار قرار گرفته است. شرکت‌ها و موسسات می‌خواهند به کار اصلی خود پردازند و خدمات رایانه‌ای را به اهل فن و متخصص واگذارند. یک کارخانه‌ی کفشی ترجیح می‌دهد به تولید و توزیع کفش پردازد و خود را اسیر مسائل و معضلات نصب و کاراندازی رایانه‌ها نکند. او می‌خواهد کاربردهای مختلف مورد نیاز را هر وقت احتیاج داشت در اختیار داشته باشد و بدون دردسر از آن استفاده کند. در این صورت هزینه‌ی استفاده از رایانه محدود می‌شود به هزینه‌ی مربوط به استفاده عملی و واقعی نه خرید کلیه‌ی تجهیزات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری و استخدام کارشناسان نصب و راه‌اندازی و خدمات روزمره. این موضوع در آمریکا بسیار مورد توجه قرار گرفته است و Outsourcing یا کار را به کاردان سپردن شعار روز شده است. بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار خرج برای پرداخت خدمات رایانه‌ای اشخاص ثالث خرج می‌شود.

کاربردهای رایانه در اداره‌ی امور اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و آموزشی از حد محاسبات ساده و برنامه‌های معمولی گذشته است و امروزه کاربردهای مزبور جایگاه خاصی در فرایندهای تولید، توزیع، تصمیم‌گیری و نقل و انتقالات اطلاعات و ارتباطات یافته است. تلفیق توان‌های کاربردی رایانه‌ها با مخابرات از طریق اینترنت امکان‌پذیر شده است. امروزه می‌توان با استفاده از این تلفیق و با ایجاد توانایی‌های مجازی صرفه‌جویی‌های عمده‌ای در هزینه‌های زندگی به وجود آورد. اگر در طبقه‌ی فوقانی یک رستوران پیتزا فروشی در نیویورک سکونت داشته باشید و بخواهید در طبقه پایین پیتزا سفارش دهید تلفن شما به یک منشی در هندوستان متصل می‌شود که سفارش شما را دریافت می‌دارد و آن را به آشپزخانه در ساختمان زیرین شما منتقل می‌کند. هزینه این منشی برای پیتزافروشی ده‌ها برابر کم‌تر از استخدام یک منشی در آمریکا است. فاصله بیش از ده‌هزار کیلومتری بین هند و شرق آمریکا به صفر تبدیل می‌شود. هزینه‌ی این سفر از رفتن از طبقه بالا به طبقه پایین یک ساختمان کم‌تر شده است. این از عجایب استفاده از اینترنت و رایانه است. این است تعریف دهکده جهانی.

برای بهره‌برداری از این توان‌ها نیاز به دو بستر می‌باشد: اول بستر مخابراتی و دوم بستر پرتوان رایانه. اگر کسی بخواهد برای یک مسافت راه دور از هواپیما استفاده کند، خرید هواپیما و کلیه‌ی خدمات زمینی و هوایی وابسته به آن تقریباً برایش غیرممکن است. اما وقتی یک سازمان هواپیمایی صاحب تخصص با استفاده از بهترین عوامل مورد نیاز سفر هوایی را در مقابل مبلغ قابل پرداخت برای عموم آماده می‌کند

مجدداً کنترل می‌گردد. بالاخره در مرحله‌ی ذخیره‌سازی و بازگرداندن نتیجه‌ی عملیات هم کنترل و بازیابی برقرار است و هم چنین کنترلی انجام خواهد شد.

اولین مرحله‌ی اجرایی طرح تصویب آن و تامین منابع مالی آن خواهد بود. در این مرحله باید تعیین شود که چه سازمانی مسئول اجرای این طرح می‌باشد. مرحله‌ی دوم تشکیل و تجهیز گروه کاری برای مجری طرح خواهد بود. مرحله‌ی سوم مطالعات جای‌یابی و آماده‌سازی محل نصب می‌باشد. مرحله‌ی چهارم خرید تجهیزات و نصب نرم‌افزارهای مختلف می‌باشد. مرحله‌ی پنجم انتقال تجهیزات به ایران است. مرحله‌ی ششم که باید به‌خوبی تدارک دیده شود ترخیص از گمرک و حمل به محل نصب می‌باشد. مرحله‌ی هفتم نصب و راه‌اندازی مرکز خدمات کاربردی است. مرحله‌ی هشتم استفاده آزمایشی سیستم‌ها است. مرحله‌ی نهم نصب برنامه‌های کاربردی مختلف بنا به تقاضای کاربران است. مرحله‌ی دهم افتتاح خدمات بر روی کاربران می‌باشد. بالاخره مرحله‌ی یازدهم خدمات شبانه‌روزی پشتیبانی و حفظ و نگهداری می‌باشد.

پس از ایجاد مرکز محاسباتی مناسب کاربران مختلف می‌توانند کاربردهای خود را در هر زمان و در هر مکانی و با ساده‌ترین سیستم اتصال به اینترنت مورد استفاده قرار دهند.

به امید آن که بتوانیم از طریق ایجاد چنین مرکز محاسباتی منشا خدمات ارزنده‌ی برای ایران باشیم.

فرهنگی و پزشکی است که به ساده‌ترین شکل و ارزان‌ترین قیمت در اختیار کاربران ایرانی قرار گیرد. هدف این طرح این است که ایران را با پیشرفته‌ترین کشورهای جهان در این زمینه همگام سازد. و در منطقه به قطب اینترنت تبدیل کند.

مرکز خدمات کاربردی مورد نظر در ایران پایگاهی خواهد بود که مبادله‌ی اطلاعات را بین سازمان‌ها با افراد، سازمان‌ها با سازمان‌ها و افراد با افراد به سرعت و سادگی ممکن می‌کند. علاوه بر آن خدمات رایانه‌ی بین این دسته‌بندی‌ها را ممکن می‌سازد. از ویژگی‌های این طرح این است که از آن می‌توان برای کاربردهای مختلف به‌طور هم‌زمان استفاده کرد. در طرح‌های مشابه تنها یک کاربرد در هر زمان می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. به عبارت فنی Enterprise Solution وجود دارد. در صورتی که در طرح ماو فناوری سایبرروت چندین کاربرد به‌طور هم‌زمان قابل بهره‌برداری است (Integrated Multi Enterprise Solution) به کار گرفته شده است. مثلاً می‌توان بانکداری و تجارت الکترونیکی را هم‌زمان اجرا کرد. از ویژگی‌های دیگر طرح امنیت بالای آن است. اولاً از زیر انگشت کاربر تا اتصال به مرکز محاسبات داده‌های مبادله شده به‌صورت رمز (Encrypted) رد و بدل می‌شود. ثانیاً داده‌ها از محل مرکز محاسبات به خارج حمل و نقل نمی‌شود. این موضوع دو مزیت دارد: یکی این که قابل دسترسی برای غیر نیست و دیگر این که مقدار پهنای باند مورد نیاز خط ارتباط اینترنت به حداقل می‌رسد (30KB/S) برای هر کاربر کفایت دارد که بتواند همه‌ی کاربردها را استفاده کند. در داخل مرکز خدمات کاربردی ایمنی در سه مرحله برقرار است. در مرحله‌ی ورود به مرکز خدمات کاربردی کاربر شناسایی می‌شود و صلاحیتش برای دسترسی به اطلاعات تایید می‌شود. در مرحله‌ی عملیات و کاربردها بار دیگر صلاحیت دسترسی کاربر

دیگر کسی به فکر پرواز خصوصی نمی‌افتد. همین‌گونه است خدمات قابل استفاده از تلفیق رایانه و مخابرات که از طریق اینترنت ارائه می‌شود. یک برنامه‌ی HRM ERM یا MIS چندین میلیون دلار هزینه‌ی خرید و نصب و راه‌اندازی دارد. اکثر قریب به اتفاق کاربران توان خرید این برنامه‌ها را ندارند. اما اگر در یک مرکز خدمات کاربردی این برنامه‌ها نصب و راه‌اندازی شود تقریباً همه کس می‌توانند با پرداخت هزینه‌ی کاربری از این تسهیلات استفاده کنند. این فرصت راه را برای استفاده از خدمات رایانه‌ای در زمینه‌های دولت الکترونیکی، بانکداری الکترونیکی، تجارت الکترونیکی، اداری الکترونیکی، اتاق الکترونیکی و آموزش الکترونیکی باز می‌کند.

شرکت سایبرروت که در هلند این دو بستر را ایجاد کرده است از همان آغاز به بسترسازی در این زمینه برای ایران پرداخته است. هم‌اکنون استفاده از کلیه‌ی خدمات در ایران از طریق مرکز هلند امکان‌پذیر است. و بستر مخابراتی نیز از طریق مطمئن‌ترین اتصالات ماهواره‌ای قابل تحویل می‌باشد. سایبرروت مفتخر است که طی چند سال گذشته چندین تن از دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاه‌های ایران را در این زمینه پرورش داده است. این مجموعه‌ی نیروی انسانی قادر است که امروزه هر پروژه‌ای را در زمینه‌ی کاربردهای اینترنت و مخابرات ماهواره‌ی تحت نظارت سایبرروت اجرا کند. لیکن کاربران اصلی در ایران خواستار ایجاد مرکز خدمات کاربردی در ایران می‌باشند. به این دلیل که می‌خواهند داده‌هایشان در نزد خودشان باشد نه خارج از کشور.

هدف از پیشنهاد و اجرای چنین طرحی امکان‌پذیر کردن دسترسی به کاربردهای علمی، فنی، تجاری، آموزشی، اطلاعاتی،

حسابداران رسمی و ارزیابی سهام

منصور شمس احمدی

ارزیابی سهام شرکت‌های دولتی، موضوع ماده ۱۱ قانون برنامه‌ی سوم توسعه‌ی اقتصادی، طبق آیین‌نامه‌ی بند "و" ماده‌ی ۱۴ آن قانون که در تاریخ ۱۳۸۰/۵/۱۷ به تصویب هیات وزیران رسیده است، انجام خواهد شد. از آنجا که ارزیابی سهام در چارچوب آیین‌نامه‌ی مزبور، به عهده‌ی حسابداران رسمی گذاشته شده است، با توجه به مسئولیت‌های حرفه‌ای حسابداران رسمی و اتکای جامعه به گزارش‌های ایشان ذکر نکاتی در این خصوص ضروری است.

۱- طبق ماده‌ی ۴ آیین‌نامه اشاره شده در بالا قیمت پایه‌ی سهام شرکت‌های سودده، با نگرش تداوم فعالیت شرکت‌ها از حاصل تقسیم میانگین سود خالص قبل از مالیات سه‌سال آخر شرکت بر نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری به میزان ۲۲ درصد (معادل ۱۷ درصد نرخ بازدهی سپرده سرمایه‌گذاری بلندمدت به اضافه‌ی ۵ درصد) تعیین می‌شود. سود خالص قبل از مالیات براساس عواملی که در آیین‌نامه ذکر شده است تعدیل خواهد شد.

براساس یکی از این عوامل، "چنانچه متوسط تولید سه‌ساله‌ای که مبنای محاسبه‌ی سود خالص قبل از مالیات در نظر گرفته شده است کم‌تر از هفتاد درصد بالاترین تولید هر یک از سنوات پنج سال

آخر شرکت باشد، جهت سال‌های مزبور، سود با احتساب هفتاد درصد بالاترین تولید هر یک از سنوات گذشته تقویم خواهد شد." مبنای سودآوری شرکت، با نگرش تداوم فعالیت، توان تولید و سودآوری در آینده است و عملکرد پنج سال گذشته فقط می‌تواند به عنوان راهنمایی در پیش‌بینی درآمدهای آتی و سودآوری شرکت در نظر گرفته شود. لذا چنانچه کاهش تولید در سه سال گذشته در اثر عواملی مانند کاهش تقاضا، رقابت، کیفیت نامناسب کالا و غیره به وجود آمده باشد، توان تولیدی و سودآوری شرکت کاهش یافته و تعدیل میانگین سود سه‌سال گذشته با احتساب تولید در سال‌های طلایی باعث تعیین ارزش سهام به میزانی بیش از ارزش ذاتی خواهد شد.

۲- نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری (بازدهی مورد انتظار) با ریسک (عدم اطمینان از بازدهی سرمایه‌گذاری) ارتباط دارد. این ریسک در صنایع مختلف و در هر شرکت با شرکت دیگر متفاوت است. نرخ بازدهی مورد انتظار در شرکت‌های با ریسک بالا افزایش و در شرکت‌های با ریسک پایین کاهش خواهد یافت. از دیگر عوامل موثر در تعیین نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری، قابلیت تبدیل به نقد شدن سهام است. با افزایش قابلیت نقدشوندگی بازدهی سرمایه‌گذاری

کاهش و با کاهش این قابلیت، بازده مورد انتظار افزایش خواهد یافت. نرخ بازده سرمایه‌گذاری طبق آیین‌نامه ۲۲٪ تعیین شده است که پس از کسر ۲۵٪ مالیات معادل ۱۶/۵٪ خواهد بود که کم‌تر از نرخ سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت پنج ساله است. بنابراین تعیین یک نرخ ثابت برای همه‌ی شرکت‌ها بدون در نظر گرفتن ریسک و نقدشوندگی و به میزانی کم‌تر از نرخ سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت موجب خواهد شد که سهام به میزانی متفاوت از ارزش واقعی‌اش ارزیابی شود.

۳- در آیین‌نامه‌ی نحوه‌ی ارزیابی سهام، اشاره‌ای به تعدیل سود سه‌سال گذشته از بابت کسری ذخائر نشده است. بنابراین در صورتی که شرکت در سال‌های قبل برای هزینه‌هایی مانند بازخرید خدمت، بیس، مطالبات مشکوک‌الوصول، اقلام راکد موجودی‌ها، جرائم و غیره ذخیره‌ای در حساب‌ها منظور نکرده باشد، به دلیل عدم تعدیل سود بابت این کسری ذخائر، ارزش سهام به میزانی بیش از واقع ارزیابی خواهد شد.

۴- افزایش سرمایه از محل آورده‌ی نقدی یا مطالبات سهامداران در سال واگذاری یا سال قبل از آن طبق آیین‌نامه موجب افزایش ارزش شرکت معادل مبلغ افزایش سرمایه خواهد شد. از آنجا که مبنای ارزیابی طبق آیین‌نامه، تداوم

ارزیابی سهام توسط حسابداران رسمی با ارزیابی آن توسط موسسات و شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای و دیگران متفاوت است. صدور گزارش ارزیابی سهام توسط حسابداران رسمی نوعی اعتباردهی به مبلغ سهام ارزیابی شده تلقی می‌شود و هرگونه اظهار نظر غیرواقعی‌بینه در این خصوص اعتبار حرفه‌ای حسابرسی و قابلیت اعتماد به حسابرسی صورت‌های مالی و سایر خدمات حرفه‌ای حساب‌برسان را زیر سوال خواهد برد.

لذا ضروری است در صورتی که حسابداران رسمی ارزیابی سهام در چارچوب آیین‌نامه‌ی اشاره شده رابه عهده بگیرند در گزارش خود ضمن اشاره به روش ارزیابی و مفروضات در نظر گرفته شده صریحاً به این نکته اشاره کنند که ارزش سهام صرفاً براساس روش‌های ارزیابی مندرج در آیین‌نامه صورت گرفته و در صورت در نظر گرفتن تعدیلات لازم در خصوص کسری ذخائر و سایر موارد اشاره شده در بالا و هم چنین در صورت استفاده از سایر روش‌های ارزیابی، ارزش سهام با ارزش گزارش شده متفاوت خواهد بود.

به قیمت پایه‌ی سهام عملاً موجب تکرار این تاثیر در ارزیابی سهام خواهد شد. آثار طرح‌هایی که به مرحله‌ی بهره‌برداری نرسیده و هم چنین طرح‌هایی که کم‌تر از سه‌سال قبل از تاریخ واگذاری به بهره‌برداری رسیده‌اند باید با توجه به ارزش فعلی درآمدهای آتی ناشی از اجرای آنها محاسبه و در ارزش سهام لحاظ شود. افزون بر آن در صورتی که افزایش سرمایه در سال واگذاری و یا سال قبل از آن به منظور تامین مالی همین طرح‌ها صورت گرفته باشد، از آنجا که مبلغ افزایش سرمایه طبق آیین‌نامه قبلاً یک‌بار به قیمت پایه سهام اضافه شده‌است، اضافه کردن مجدد بهای تمام شده طرح به قیمت پایه سهام موجب خواهد شد که چنین تاثیری دوبار در ارزیابی سهام منظور شود.

ارزیابی سهام فرایندی تحلیلی و پیچیده است و تعیین ارزش سهام در غالب یک آیین‌نامه و با یک فرمول محاسباتی امکان‌پذیر نیست. ارزیابی سهام باید با روش‌های متفاوت و با در نظر گرفتن مفروضات متفاوت در هر روش انجام شود و در نهایت دامنه‌ای از ارزش‌ها محاسبه شود و مبنای تصمیم‌گیری قرار گیرد.

فعالیت در نظر گرفته شده است. تعیین آثار افزایش سرمایه بر ارزش سهام به‌خصوص در صورت تبدیل مطالبات سهامداران به سرمایه مستلزم دقت نظر بیش‌تر در خصوص دلائل افزایش سرمایه است، چرا که اگر افزایش سرمایه به منظور اصلاح ساختار مالی یا تامین مالی سرمایه در گردش به منظور حفظ سطح فعالیت موجود صورت گرفته شده باشد تاثیر چندانی برافزایش ارزش سهام نخواهد داشت.

۵- قیمت تمام شده‌ی طرح‌های توسعه و تکمیل، طرح‌های نیمه‌تمام یا آماده بهره‌برداری یا طرح‌هایی که کم‌تر از پنج سال از شروع بهره‌برداری‌شان گذشته باشد، براساس روش‌هایی که در آیین‌نامه به آن اشاره شده است ارزیابی و به قیمت پایه سهام اضافه خواهد شد. در خصوص طرح‌هایی که ظرف سه‌سال قبل از تاریخ واگذاری به بهره‌برداری رسیده‌اند، چون میانگین سود سه‌سال گذشته مبنای محاسبه‌ی ارزش سهام قرار گرفته است، بنابراین آثار سودآوری این طرح‌ها عملاً در محاسبه ارزش سهام مدنظر قرار گرفته و افزودن مجدد بهای تمام شده‌ی این طرح‌ها

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی رتال جامع علوم انسانی

هفته نامه طبرستان براساس یک نظرسنجی که با همکاری کنفدراسیون کارفرمایی ایران صورت گرفت زنده‌یاد دکتر عزیز نبوی را به عنوان "حسابدار نمونه" معرفی و "لوح تندیس سبز" به مشارالیه تعلق گرفت. در مراسمی که به همین مناسبت در باشگاه دانشگاه تهران برگزار شد جناب آقای نظام‌الدین ملک‌آرایی مدیر مرکز تحقیقات و بررسی‌های حسابداری سازمان حسابرسی تندیس یاد شده را تحویل گرفتند.

یادمان دکتر عزیز نبوی را با کوشش و تلاش در اعتلای حرفه حسابداری زنده نگه داریم.

نظام بانکداری ایران: چالش‌ها و محدودیت‌ها

سرمایه‌گذاری‌های هنگفت دیگر بانک‌ها در بخش‌های مختلف اقتصادی گردند.

۱-۳- آزادسازی نرخ سود و خدمات بانکی و منطقی کردن آنها

برای حرکت به طرف آزادسازی نرخ سود در ابتدا نیاز به طراحی نرخ‌های پایه و مبنا می‌باشد که در این رابطه می‌توان از نرخ سود اوراق مشارکت دولتی و نرخ سود تنزیل مجدد استفاده نمود. دو نرخ مورد نظر در واقع پایه‌ای برای تعیین نرخ تسهیلات اعطایی بانک‌ها و موسسات اعتباری قرار خواهند گرفت.

البته تا زمانی که آزادسازی کامل نرخ سود انجام نگرفته است، یا این که بنا بر ملاحظاتی به مصلحت نباشد که نرخ سودهای بانک‌های دولتی از چند نرخ یک مرتبه به تک نرخ تغییر نماید، می‌توان ساختار نرخ‌های سود ذکر شده را تا حدودی اصلاح کرد و به تدریج به طرف نظام تک نرخ حرکت نمود. در این رابطه در ابتدا باید نرخ سود واقعی سپرده‌های بانکی و تسهیلات اعطایی را مثبت نمود و از طرف دیگر تفاوت نرخ سودهای سپرده‌های مختلف را تعدیل و منطقی کرد. در حال حاضر تفاوت نرخ‌ها خصوصاً تفاوت نرخ سپرده‌های کوتاه‌مدت و پنج‌ساله، یا به طور کلی سپرده‌های بلندمدت، در حدی است که منطقی اقتصادی ندارد.

در ارتباط با نرخ خدمات بانکی، بدون شک این نرخ می‌بایستی حداقل هزینه‌های واقعی بانک‌ها را پوشش دهد. لذا بایستی توسط بانک‌ها تعیین گردد، و دولت می‌تواند بر نحوه‌ی محاسبه‌اش نظارت داشته باشد.

۲-۳- خصوصی‌سازی بانک‌ها

همان‌طور که بیان گردید میزان شاخص‌های عمده‌ی سیستم بانکی کشور تطابقی با شاخص‌های بین‌المللی از جمله کفایت سرمایه ندارد، که دلیل عمده‌اش

محدودیت سرمایه‌ی بانک‌ها است. یکی از راه‌حل‌هایی که در این رابطه منطقی به نظر می‌رسد فروش سهام بانک‌های دولتی و اختصاص منابع حاصله به افزایش سرمایه‌ی بانک‌ها است که در نظر است در آینده دولتی بمانند. در ارتباط با خصوصی‌سازی سیستم بانکی، بانک ملی ایران اقدام به ارائه‌ی طرحی نموده است که در ادامه خلاصه‌ای از آن ارائه می‌گردد.

به‌طور کلی فروش سهام بانک‌ها، یا به عبارت دیگر خصوصی‌سازی بانک‌ها خود نیاز به ابزارها و برنامه‌هایی دارد که باید حداقل دارای ویژگی‌های زیر باشد:

- هزینه‌ی توجیه‌پذیر داشته باشد.

- آسان اجرا شود. به عبارت دیگر با وجود محدودیت مهارت‌ها و منابع، از نیروهای کارشناسی و امکانات موجود در پیکره‌ی بانک‌های دولتی کمال استفاده را بنماید.

- با ایجاد بار بودجه‌ای بسیار بزرگ، از ایجاد ثبات اقتصادی - که لازمه‌ی حرکت‌های بزرگی هم‌چون خصوصی‌سازی بانک‌های دولتی می‌باشد - جلوگیری ننماید.

بانک جهانی معتقد است، برای انجام هرگونه فعالیت اصلاحی در ارتباط با سیستم بانکی، در ابتدا باید اقدام به تشکیل نهادهای مورد نیاز در فرایند اصلاح ساختار بانکی نمود.^۴ این نهادها عبارتند از:

الف) نهاد اصلاح ساختار بانکی^۵: واحدی است که به منظور طراحی و هماهنگی اجرای راهبرد جامع و اصلاح ساختار و بازسازی سرمایه‌ی بانک‌ها تاسیس می‌شود. این نهاد بیشتر نقش سیاست‌گذاری و تبیین خطوط کلی و اهداف را دارد و در صورت نیاز به قانون ارائه‌دهنده‌ی لوایح مورد نیاز به مجلس می‌باشد. وزرا یا معاونین وزارت‌خانه‌های تخصصی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی اعضای این نهاد خواهند بود.

برای مشخص شدن دامنه‌ی مسئولیت‌ها و پاسخ‌گویی مناسب، این سازمان باید زیرنظر یک وزارت‌خانه عمل

نماید، که در این حالت وزارت اموراتصادی و دارایی بهترین گزینه خواهد بود.

ب) شرکت مدیریت دارایی^۶: یکی از ابزارهای اصلاح ساختار مالی، وجود یک شرکت یا واحد تخصصی است که وام‌ها و مطالبات وصول نشده و معوق بانک‌ها به آن منتقل شود و این شرکت مدیریت این وام‌ها را به‌عهده گیرد.

در این رابطه به نظر می‌رسد بانک ملی، با توجه به اهداف خصوصی‌سازی بانک‌های دولتی در کشور، (به‌غیر از خود بانک ملی) بهترین گزینه برای تشکیل شرکت مدیریت دارایی باشد، چراکه:

اولاً: توان کارشناسی لازم برای مدیریت موضوعات مختلف بانکی اعم از مباحث نیروی انسانی و مالی را دارا است، و به‌راحتی می‌تواند این تجربیات را در اختیار شرکت مدیریت دارایی که به‌صورت یک سازمان ویژه در خارج از بانک عمل خواهد نمود، قرار دهد.

ثانیاً: تجربه‌ی کافی در جهت استفاده از منابع مختلف مالی برای تامین نیازهای مالی شرکت مدیریت دارایی را دارا است.

ثالثاً: تجربه‌ی دیگر کشورهای در حال توسعه نیز مبین این امر است که این کشورها برای اصلاح ساختار سیستم بانکی خود و امر خصوصی‌سازی، یک بانک را به‌عنوان بانک مادر در جهت مدیریت منابع و وجوه و جلوگیری از به هدر رفتن منابع کشور انتخاب کرده‌اند.

در این ارتباط در ابتدا بانک ملی ایران پس از تامین منابع مورد نیاز شرکت مدیریت دارایی^۷، از طریق این شرکت اقدام به اصلاح ساختار مالی و تبدیل بانک‌ها به شرکت‌های مستقل با شکل حقوقی سهامی عام خواهد نمود. که در نهایت در این مرحله صورت‌های مالی بانک‌های مورد نظر کاملاً شفاف می‌شود و آماده‌ی عرضه به بخش خصوصی خواهند شد. در مرحله‌ی دوم بانک ملی از طریق

عمدتاً از مشکلات ساختاری که خارج از محدوده عملش است رنج می‌برد. مشکلاتی که اگر درباره‌ی آن‌ها فکر اساسی نشود بازار مالی کشور را با بحرانی شدید روبه‌رو خواهد نمود، بحرانی که ادامه آن می‌تواند منجر به ورشکستگی بانک‌ها شود.

خصوصی‌سازی سیستم بانکی کشور، آزادسازی نرخ‌های سود بانکی، جایگزینی تسهیلات تکلیفی با ارائه‌ی یارانه به بخش‌های مختلف اقتصادی از قدم‌های مثبت و مهمی است که می‌تواند در جهت کاهش بحران سیستم بانکی کشور موثر باشد.

* این مقاله در همایش حسابداری و توسعه بانکداری که در ۱۵ و ۱۶ دی برگزار شد ارائه گردید.

1- Helgesen, H.B.(1974), "Banking: for 'Nationalization' Say 'De-Privatization'" Euromoney, October 1974, pp.103-105.

۲- قابل ذکر است که سود بانک‌ها نیز تحت تاثیر تسهیلات تکلیفی و نرخ‌های کارمزد پایین، بسیار محدود است.

۳- در این حالت به موازات افزایش سرمایه، مخرج نسبت کفایت سرمایه نیز افزایش می‌یابد، لذا نسبت کل باز هم وضعیتی نابسامان خواهد داشت.

4- Waxman, Margery, 1998, "A LEGAL FRAMEWORK FOR SYSTEMIC BANK RESTRUCTURING", The legal Department, The World Bank.

5- Bank Restructuring Agency.

6- Asset Management Company.

۷- به عنوان مثال؛ از طریق انتشار اوراق مشارکت.

به صراحت مورد توجه قرار گرفت. در این بند آمده است: "حمایت دولت در اعطای تسهیلات اعتباری به بخش‌ها و فعالیت‌های مختلف به شکل پرداخت یارانه‌ی نرخ سود، ... می‌باشد"، امری که باید در حذف هرگونه سهمیه‌بندی تسهیلات تکلیفی تبلور پیدا نماید. در این رابطه ارائه‌ی یارانه به بخش‌های مختلف می‌تواند بدیل مناسبی برای تسهیلات تکلیفی محسوب گردد.

۳-۴- بازنگری در قانون بانکداری بدون ربا و آیین‌نامه‌های اجرایی عقود اسلامی

عدم ارائه‌ی روش مناسب برای تطبیق دقیق برخی از نیازهای فعالین اقتصاد با آیین‌نامه‌های اجرایی عقود اسلامی منجر به اجرای صوری و بی‌محتوای بعضی از دستورالعمل‌ها می‌شود و شبهه‌ی عدم دقت در اجرای عقود اسلامی را در جامعه ایجاد می‌نماید. لذا به نظر می‌رسد علاوه بر ضرورت بازنگری در آیین‌نامه‌های اجرایی عقود اسلامی، لازم است قانون بانکداری بدون ربا نیز که در زمان تصویب در مجلس محترم شورای اسلامی در سال ۱۳۶۲، قرار بوده است به صورت موقت برای یک دوره‌ی پنج‌ساله تصویب شود و بعد از ۵ سال با استفاده از تجربیات عملی، قانون دائمی بانکداری بدون ربا به مجلس ارائه شود، مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرد و با تاکید بر حفظ ویژگی بدون ربا بودنش، نسبت به تطبیق هر چه بیشتر آن با نیازهای اجرایی اقدام شود.

در حال حاضر سیستم بانکی کشور

همین شرکت اقدام به شفاف‌سازی صورت‌های مالی خود نیز می‌نماید، چراکه هدف‌نهایی این طرح اصلاح کل سیستم بانکی است. البته بانک مادر به عنوان تنها بانک دولتی خواهد ماند، ولی انتظار می‌رود بانک مزبور نیز ساختار خود را به نحوی اصلاح نماید که توان حضور در عرصه‌ی بانکداری رقابتی را داشته باشد.

در مرحله‌ی سوم بانک ملی با توجه به آیین‌نامه و مقررات مصوب اقدام به فروش بانک‌های تجاری خواهد نمود.

از مهم‌ترین مزایای این طرح، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- تامین سرمایه‌ی بانک ملی به عنوان تنها بانک دولتی، جهت رسیدن به شاخص‌های جهانی.

- استفاده از یک سازماندهی موقت، قابل کنترل و کارا برای خصوصی‌سازی.

- تسهیل و تسریع در خصوصی‌سازی بانک‌های موجود در کشور در یک دوره‌ی زمانی مناسب.

- ایجاد شفافیت در سیستم بانکی کشور و ایجاد فضای رقابتی در جهت افزایش کارایی و بهره‌وری سیستم بانکی کشور.

۳-۳- حذف تسهیلات تکلیفی

در جریان بحث‌های کارشناسی صورت گرفته در مراحل تدوین برنامه‌ی سوم، منطقی نمودن شیوه‌ی حمایت از بخش‌های مختلف اقتصادی به صورت اعطای تسهیلات ترجیحی به عنوان یکی از مباحث جدی مطرح است، که این امر نهایتاً در بند "ب" ماده "۸۴" قانون برنامه‌ی سوم توسعه

به منظور توسعه دامنه فعالیت‌های انجمن در مراکز استان‌ها و فراهم آوردن امکان مشارکت فعال اعضا شورای عالی انجمن در جلسه مورخ ۸۲/۱۲/۴ تشکیل کمیته منطقه‌ای را در مراکز استان‌ها تصویب نمود. از همکاران محترم اعضای انجمن در مراکز استان‌ها که مایل به شرکت در کمیته مذکور می‌باشند تقاضا می‌شود طی نامه اعلام همکاری نمایند.